



# — مورخ امین، مرزبان آگاه

— محمد علی مهدوی راد

الإمام الصادق (ع) فيما رواه الإمام العسكري:  
عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتَهُ يَمْنَعُوهُمْ  
عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ  
وَ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ  
الرُّومَ وَ الثُّوكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجْحِبِنَا وَ ذَلِكَ  
يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ.

امام صادق (ع) به روایت امام حسن عسکری (ع): علمای شیعه،  
مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفریت‌های او از آنها حمله  
می‌کنند، آنان سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می‌دارند.  
آگاه باشید هر کس از شیعه ما خود را به این مرزداری بگمارد، مقامش  
از کسانی که با رومیان جهاد کردند و... هزار هزار بار بالاتر است، بدان  
جهت که این مرزداران دین دوستان ما دفاع می‌کنند، در صورتی که آنان  
از بدن ایشان دفاع می‌کنند.

سخنی است بیدارگرو کلامی تنبّه‌آفرین و روایتی نشانگر والایی جایگاه عالمان و مکانت  
رفیع فقیهان و اندیشه‌وران.

«مرزداری» عنوان سترگی است، آن‌هم «مرزداری» اندیشه، تفکر و حراست از مکتب و  
تمامت دین و حراست از دین‌ورزان.

اکنون و بدون اینکه از «عالم» در فرهنگ اسلام چهره‌نمایی کنیم و بر چستی و چگونگی  
عالم در معارف «ثقلین» بپردازیم، تأکید می‌کنیم که «مرزبانی» مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی

دارد که به سادگی برکسی تطبیق نمی‌کند. دستکم «مرزبان» باید آگاهی گسترده و ژرفی از «مرزها» داشته باشد. دو دیگر اینکه به درستی دشمن را بشناسد و چگونگی‌های ظهور و بروز او را دریابد. سه دیگر آنکه خلأ و به تعبیر لطیف روایت «ثغر»<sup>۱</sup>، رخنه‌ها، مسیرهای نفوذ دشمن، راه‌هایی را که دشمن به درستی شناسایی می‌کند تا بدون مؤونه‌ای آن چنانی به اهدافش برسد، نقطه‌های آسیب‌پذیر و برج و باروی دیده‌بانی و...

لازمه مرزبانی آگاهی از این همه است و نیز باریک‌بینی، موقعیت‌شناسی و...

شیخ طوسی - رضوان الله تعالی علیه - سرمرزبانی بود سترگ و دیده‌بانی بود آگاه، هوشمند و زمان‌شناس. درباره عالمان راستی ما نوشته‌اند:

علمای بزرگ ما - خدای آنان را در بیکران رحمت خویش غرق سازد - چه آنان که قدیم بودند و چه آنان که سپس آمده‌اند، همه درباره پیدا کردن دلیل‌های زمان پسند و آنچه طبیعت زمان اقتضا کرده است تا نهایت درجه ممکن کوشیده‌اند و پیش‌تاخته‌اند و در برابر دیگران موضع آگاهانه داشته‌اند چون همواره شبهه‌ها و مسائل تازه‌ای القامی شده است. از این رو آنان نیز آگاهی‌ها و دلیل‌های تازه‌ای برای حقانیت حق، عرضه داشته‌اند.<sup>۲</sup>

شیخ الطائفه - ره - خود چنین بوده است، آثار و مآثر، مواضع و ایستارهای هوشمندانه‌اش همه و همه نشانگر زمان‌شناسی، درک استوار و عمیق از لایه‌های زیرین و درونی واقعه است. بدین سان روشن است که برپایه داوری این بزرگوار، عالمان شیعه زمان شناسان هم‌اوردجوی بدان گونه که زمان اقتضا کرده است بودند و در آوردگاه اندیشه‌ها با سلاح زمان و استوارگامی و موضع‌شناسی درست گام می‌نهادند و مالا فیروز و سرفراز برمی‌آمدند.

در تاریخ چهارم آبان ۱۳۹۸ جامعه شیعی و حوزه‌های علوم اسلامی، در آوردگاه اندیشه‌ها هم‌اورد بیدار و حقیقت‌گویی آگاه و میدان بصیر، مورخ امین و محقق جلیل و مفسرنیک‌اندیش را از دست دادند که به راستی مصداقِ إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَّا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

علامه محقق سید جعفر مرتضی از تبار عالمان، متفکران مورخان و برنادلان بود که گستره تتبع را با ژرفای تحقیق، غنای دانش و روش را با آگاهی‌های گسترده و نگریستن به کهن‌ترین منابع را با تأمل در جدیدترین آنها درآمیخت. او با مراجعه آگاهانه و از سر هوشمندی به منابع مستقیم و با تمامت آنچه می‌توانست به‌گونه‌ای بر بحث پرتو می‌افکند که نتیجه بحث‌اش دگر بود و نتیجه پژوهش‌اش «لونی» دیگر.

علامه سید جعفر مرتضی زمان‌شناسی بیدار، دیده‌بانی هوشیار و مرزبانی آگاه از جریان‌ها بود که درست در همان زمان که در موضوعی نیاز بوده، دست به قلم می‌برد و پرسش‌ها را پاسخ می‌گفت.

روزگاری که ایران اسلامی و عزیزما با ددمنش و درنده‌صفتی عامل استکبار، حاکم تیره جان و سیاه‌دل عراق - صدام حسین - بمباران می‌شد و بمباران‌های شهرها، نظام مقدس جمهوری اسلامی را با دشواری مواجه کرده بود و برای همگان پرسش بود که در این هنگامه بس دشوار آیا مقابله به مثل رواست؟ ایران هم می‌تواند تا جایی که عزابه جنگی دشمن را از کار بیندازد شهرهای دشمن را با همه احتیاط‌ها، مقدمات و... بزند یا نه؟

این پرسش بس فربه بود. حتی برخی از «خودی»‌ها را هم به تردید افکنده بود، ایشان کتاب بسیار مهم و راه‌گشای «الاسلام ومبدأ المقابلة بالمثل» را نوشت و موضوع را آفتابی کرد و به این پرسش پاسخی درخور داد. توان گفت بسیاری از آثار وی چنین بود و پرکننده خلأها و باریک‌بینی و...

۱. رخنه، منفذ، کرانه، شکاف و نیز راه نرم و هموار، بالاترین نقطه بنای گنبد دار، فرهنگ جامع کاربردی فرزاد، ج ۲ / ۴۱۹.

۲. مقدمه تلخیص الشافی، به نقل از شیخ آقابرگ / ۱۹.

علامه مرتضی در آگاهی از ضرورت‌های بحث و خلاء‌های تحقیق از هوشمندی ویژه‌ای برخوردار بود. به درستی «دست‌های آلوده» را می‌شناخت و برای شناخت و شناساندن آن‌ها می‌کوشیدند و جریان‌های ناپیدا فسادساز و جهالت‌گستر را شناسایی می‌کرد و می‌شناساند.

اورویات آغاز وحی را بدان گونه که در منابع عامه آمده است<sup>۳</sup> و ناهنجاری و ناروایی و مجعول بودن آن را در پرتو آگاهی‌های قرآنی، حدیثی، تاریخی آفتابی کرده و آنگاه در پایان نشان داده است که:

این همه جعل، افترا برای آن بوده است که اصل وحیانی بودن حرکت رسول الله (ص) و اتصال آن بزرگوار به وحی را از همان آغاز نشانه روند و او را مشکوک به اصل نبوتش نشان دهند و...<sup>۴</sup>

از شخصیت ابوطالب (س) به استواری سخن گفته و ایمان والا و دفاع نستوهانه آن بزرگوار از رسول الهی (ص) را برنموده و برپایه منابع بسیار گزارش کرده است<sup>۵</sup> و آنگاه نشان داده است که تمام روایات نشانگر «قدح» ابوطالب دروغ است و ساختگی و طرفه آنکه یکی از آن‌ها را همگان از یک نفر نقل می‌کنند و آن هم از «مغیره بن شعبه» که پلیدی او آشکارتر از آن است که گفته آید و بغض و کینه‌اش از بنی هاشم و علی (ع) شهره آفاق است و فسق و فسادش برای هر کس که اندک آشنایی با تاریخ داشته باشد، آشکار و آنگاه روایت حضرت رضا (ع) را آورده است که فرمود:

وَ اللَّهُ إِنَّ إِيْمَانَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ وُضِعَ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ وَ إِيْمَانُ هَذَا الْخَلْقِ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيَّ إِيْمَانِهِمْ<sup>۶</sup>

اشاره خواهیم کرد که آگاهی‌های علامه مرتضی از تفسیر ارجمند است و یادکردنی بویژه آن‌گاه که در فهم آیات بستری تاریخی آن نقش آفرینی می‌کرد؛ از این روی در قصه ابوطالب (س) که دست‌های آلوده اموی و راویان فضیلت ستیز کوشیده‌اند آیه ۳۱ سوره براءت و ۶۵ از سوره قصص و ۱۹ از سوره بقره و... را مرتبط با ابوطالب بدانند. علامه ارتباط هر سه آیه را با شخصیت ابوطالب گسسته و نشان داده است که مزدوران روایت‌ساز چرا و برای چه این همه را بافته و گسترانده‌اند.<sup>۷</sup>

درباره ازدواج رسول الله (ص) در منابع عامه آمده است و بسیاری از مورخان و سیره‌نگاران را فریفته است که پیامبر خدا (ص) عایشه را ۶ سالگی خواستگاری کرده و ۹ سالگی به خانه برده است.<sup>۸</sup>

علامه مرتضی در پرتو آگاهی‌های تاریخی و با تکیه به برخی از روایات منقول از منابع شیعه از جمله با تأکید بر این که خواهر عایشه، اسماء، به هنگام هجرت، ۲۷ سال داشته و قطعا او ۱۰ سال از عایشه بزرگتر بوده است، بدین سان عایشه به هنگام هجرت ۱۷ سال داشته است و این حداقل است برپایه منابع بسیار مهم.<sup>۹</sup>

علامه مرتضی در پرتو مطالعات گسترده و به یمن ارزیابی و تطبیق صدها منبع کهن از منابع اسلامی از اولین محققانی است که به نقش دست‌های آلوده در تحریف متون کهن پی برد و برای هشدار و نمونه‌ای، مقاله بیدارگر «اعرف الکتب المحرفه» را نگاشت و نشان داد چگونه کج‌اندیشانی برای ستردن آنچه آنان را ویا حاکمان را خوش

۳. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۳ / ص ۸ به بعد

۴. همان / ۳۳. لماذا الكذب والافتعال اذن

۵. همان / ج ۴ / ص ۷ به بعد

۶. همان / ۳۵

۷. همان / ۳۷

۸. همان ص ۳۹، ۵۲.

۹. صحيح بخاری، باب تزويج النبي عائشه، ص ۳۸۹۴، طبقات ابن سعد، ج ۸ / ۳۹، الصحيح، ج ۴ / ۶۱.

۱۰. همان ج ۴ / ۹۷، ۱۰۳. و نیز بنگرید به تجريد البخاری و مسلم من الأحاديث التي لا تلزم، جمال بقاء ص ۶۷ به بعد.

نمی آمده است، حذف می کردند و یا وارونه جلوه می دادند.<sup>۱۱</sup>

و از جمله معدود محققان و متفکرانی بود که به خطر «اسرائیلیات» پرداخت و کتابی سترگ در این زمینه نگاشت که شوربختانه در حادثه ناگوار بمباران کتابخانه بسیار بزرگ او از سوی اسرائیلی ها از بین رفت.

نوشتم که او در برنمودن ناپیداها و شناساندن دست های آلوده از تیزی شگفتی برخوردار بود. اکنون فرصت نیست که ده ها مورد آن را از لابلای آثارش گزارش کنم. آن بزرگوار از معدود عالمان و محققانی بود که شخصیت والای عبدالله بن عباس را به درستی شناخت و چندین و چند خبر تاریخی نامعقول را به یکسونهاد و برقصه ساختگی و زشت «سرقه اموال بصره» خط بطلان کشید. او با توجه به اخلاص ابن عباس و فداکاری مثال زدنی اش در محضر امیرمؤمنان و مناظرات بی بدیلش در دفاع از شخصیت علی علیه السلام از انبوه نقل ها نهراسید و یکسره نقل ها را به دایره نقد ریخت و نشان داد که اموی مسلکان و رومیان مزدور چگونه برای چه این ماجرا را رقم زده اند.<sup>۱۲</sup> آنان همراهان علی علیه السلام را برگزیده اند تا چهره منور آنان را مشوه جلوه دهند چون بدانسان که می خواستند نمی توانستند به خود امام بپردازند.<sup>۱۳</sup>

قدرت علامه مرتضی در بهره وری از آگاهی های جنبی در تحقیق شگفت آور است. در همین حادثه آن بزرگوار با محاسبه مسافت بین مکه و بصره و زمان لازم برای رسیدن از بصره به مکه و برگشتن و... نشان می دهند که تحقق آن غیر ممکن بوده است. این واقعیت را آیت الله سید مهدی خراسان نیز در نهایت دقت و تأمل سامان داده است.<sup>۱۴</sup> علامه شوشتری سخن ابن ابی الحدید را نقل می کند که گفته است: «من نمی دانم چه کنم، اگر گزارش ها را تکذیب کنم، اتفاق ناقلان را مخالفت کرده ام و اگر قبول کنم، من از ابن عباس جز همراهی و همدلی و اطاعت در زندگانی امام علیه السلام و... چیزی نمی دانم. پس توقف می کنم.<sup>۱۵</sup> علامه شوشتری نوشته اند:

اولا اتفاقی وجود ندارد و ثانيا در جواب او باید گفت: چون نقل و عقل با هم در تعارض قرار گرفته اند، حکم عقل مقدم است و چون روشن شد که ابن عباس یکسره در اطاعت علی علیه السلام بوده و فرصت جویان در پی پیدا کردن زمینه ای بوده اند که چهره او را مشوه کنند، مقتضی عقل را بر نقل مقدم می داریم و دامن عبدالله بن عباس را از تهمت می پیراییم.<sup>۱۶</sup>

چنین است که فقیه متضلع و ژرف اندیش شیعی شیخ حسن بن زین الدین «صاحب معالم» پس از گزارش روایات نشانگر «قدح» ابن عباس نوشته اند:

هذا الذی رأیت و لوورد فی مثله ألف حدیث ینقل أمکن أن یرعرض للتهمة، فکیف مثل هذه الروایات الواهية الضعیفة الرکیكة<sup>۱۷</sup>

پیش تر اشاره کردم که آن بزرگوار در تفسیر نیز متضلع بود و به ویژه در مواردی که روشنگری درباره مفهوم یا مصداق آیه به آگاهی های تاریخی نیاز داشت با استواری قلم می زد. یک نمونه آن بحث «فترت وحی» است در ذیل آیه «ما و دعک ربک و ما قلی» که با تتبع و دقت تمام نقل ها را به دایره نقد ریخته و حقیقت را آفتابی کرده است. (تفسیر سوره ضحی)

۱۱. دراسات و بحوث فی التاریخ الاسلامی، ج ۷ / به بعد.

۱۲. عبدالله بن عباس و اموال البصره. تمام کتاب دیده شود.

۱۳. همان / ۸۳

۱۴. موسوعة عبدالله بن عباس، ج ۱۸.

۱۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶ / ۱۶۹-۱۷۲.

۱۶. نهج الصیافة، ج ۸ / ۸۹.

۱۷. التحریر الطاوسی، ص ۳۱۷.

تتبع، تحقیق، باریک اندیشی، هوشمندی در آثار علامه مرتضی جلوه‌ای شگفت دارد. در اندیشه بودم در این سرمقاله در حدّ مقاله‌ای درازدامن سخن را بگسترانم و موارد بسیار از آنچه یاد کردم را گزارش کنم. سوگمندانه فرصت بسیار کم و مرفسحت آن نیست که عنان قلم رها کنم، اما در پایان این نگاه‌شسته کوتاه برای ثبت در تاریخ باید بگویم که آن بزرگوار عشق بی‌بدیلی به امام خمینی داشتند. در بزرگداشت و تکریم امام رضوان الله تعالی علیه قصیده بلندی سرودند سرشار از شیدایی، شیفتگی، ارادتمندی و عشق‌ورزی با عنوان:

«شنا بل المجد: قصیده مهده الی روح الإمام الخمینی و الی شهداء الأبرار»

زمانی که موسوعه گرانقدر وی را با عنوان الصحيح من سیرة الإمام علی (ع) المرتضی من سیرة المرتضی برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد، استاد در بستر مریضی بودند. تماس گرفتم و خبر دادم و اضافه کردم چون جایزه مهم است، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران شرکت می‌کنند و لازم است پدید آورنده اثر شخصاً شرکت کند و لوح تقدیر و جایزه را بگیرند.

اما شما چون با شرایط جسمی که دارید از لبنان آمدن سخت خواهد بود، اختیار با خود شماست. گفتند: آمدن برایم دشوار است، اما با افتخار می‌آیم و لوح تقدیر را از دست رئیس جمهوری اسلامی ایران می‌گیرم.

باری، از جمله جلوه‌های وجود علامه مرتضی، فروتنی و خاکساری، مهربانی و همدلی بود. عشق او به اهل بیت علیهم السلام حیرت آور بود. در نگاه‌شسته‌های تاریخی‌اش که بخش اعظم آثار اوست، این عشق و شیدایی را می‌توان دید. علامه جلد از مجموعه امام حسین علیه السلام را در اوج مریضی و به هنگام «شیمی درمانی» نوشته‌اند. آنچه آن بزرگوار را برمی‌انگیزاند، خواب‌هایی است که کسانی می‌بینند و به استاد نقل می‌کنند که در مقدمه یاد کرده است و پس از نقل این خاطره‌ها فروتنانه نوشته‌اند:

من اگر در فهم این خواب‌ها هم به خطا رفته باشم، به هر حال این کتاب را تألیف می‌کردم که این دیگر خطا نیست و شاید خداوند به وسیله این کتاب کسانی را سود رساند.

در پایان سخن اجازه می‌خواهم از خوانندگان بزرگوار این خاطره‌ها عذرخواهی کنم، اگر با این سخنان وقت گران‌بهایی را از آنان هدر داده‌ام و یا باعث ناراحتی آنان شده‌ام.<sup>۱۸</sup>

این واژه‌ها دنیایی از صفا صمیمیت و فروتنی و خاکساری است. او حدود نیم قرن کوشید، تلاش کرد، سخت‌کوشانه قلم زد، پرتوافکند و بسیاری از تاریخ‌های تاریخ را روشن ساخت و ...

و اکنون و در پایان سخن سزایم است سپاسگزاری کنم از ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم دانشور فرهیخته جناب آقای دکتر احمد واعظی که پیشنهاد این مجموعه را مطرح کردند و پشتیبانی نمودند و از نویسندگان فاضل مقالات که دعوت ما را لبیک گفتند و در فرصتی کوتاه مقالاتی ارجمند رقم زدند و از جناب دکتر مطهری که در سامان‌گرفتن مقالات یاری رساندند و از دبیر تحریریه فرهیخته آینه پژوهش، جناب آقای اسماعیل مهدوی راد که با سخت‌کوشی و پیگیری‌های مکرر در فرصتی بسیار کوتاه این شماره را چونان یادنامه‌ای برای عزیز از دست‌رفته تدوین کردند.

علامه سید جعفر مرتضی زندگی را بدرود گفتند، اما آثار و مآثر آن بزرگوار در ساحت تفکر اسلامی باقی خواهد ماند و همچنان پرتو خواهد افکند و بر رشد و بالندگی اندیشه اسلامی یاری خواهد رساند

سلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً

والله من وراء القصد

سردبیر